

Vol. VII
of X

JAN 89
\$2.00 US
\$2.50 CAN

V FOR VENDETTA

By Alan Moore
and David Lloyd



Suggested
For Mature
Readers



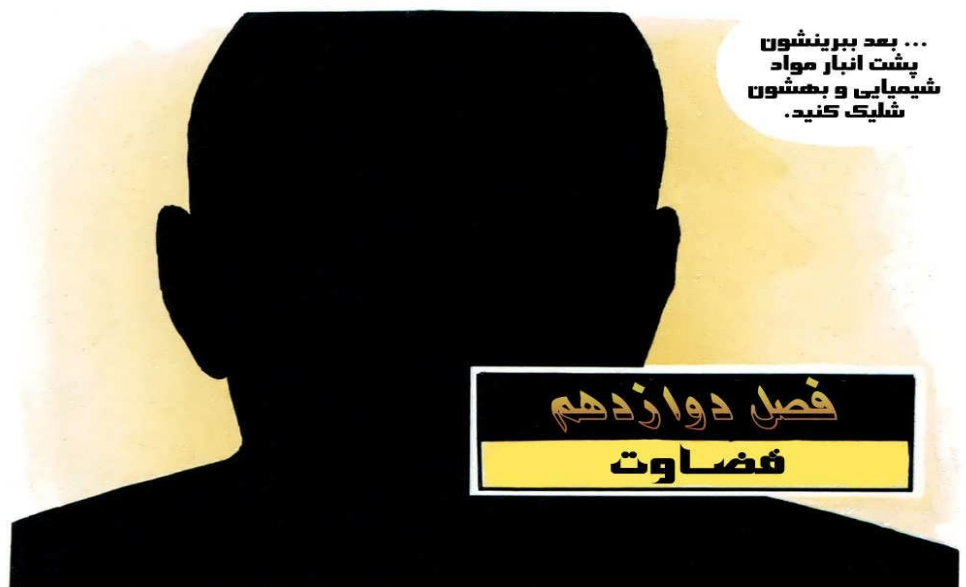
V FOR VENDETTA™

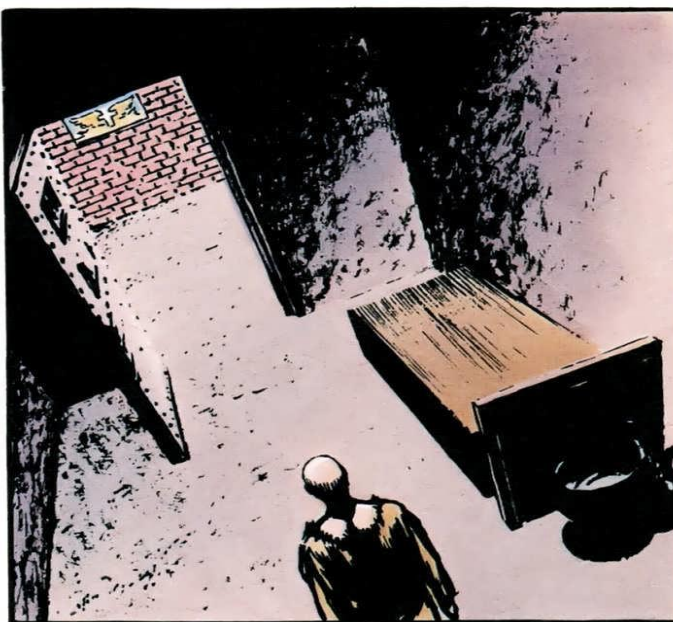
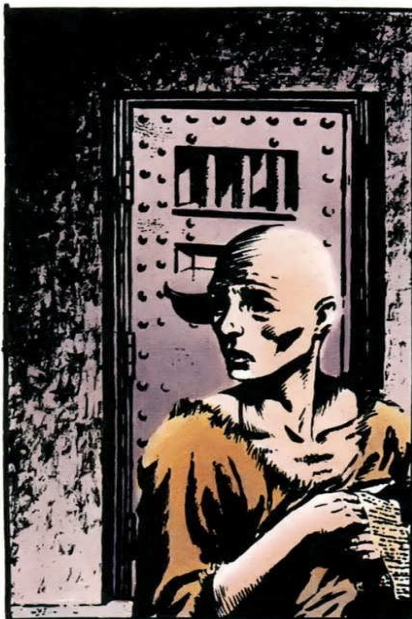
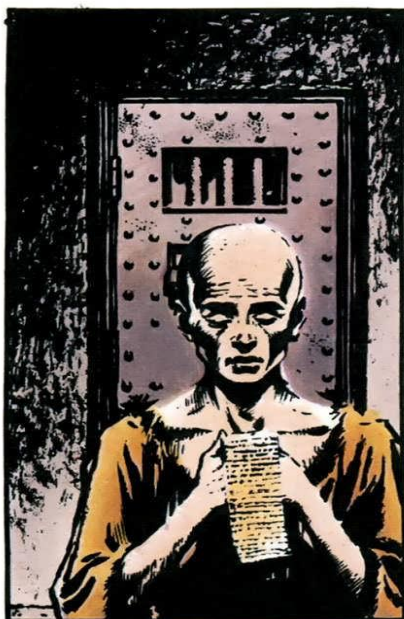
Translator: Farbod Azsan

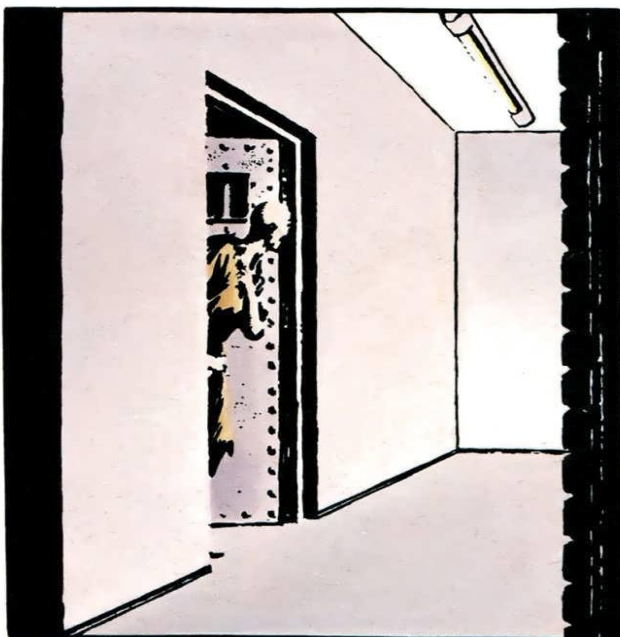
Editor: Abdollah Zarei

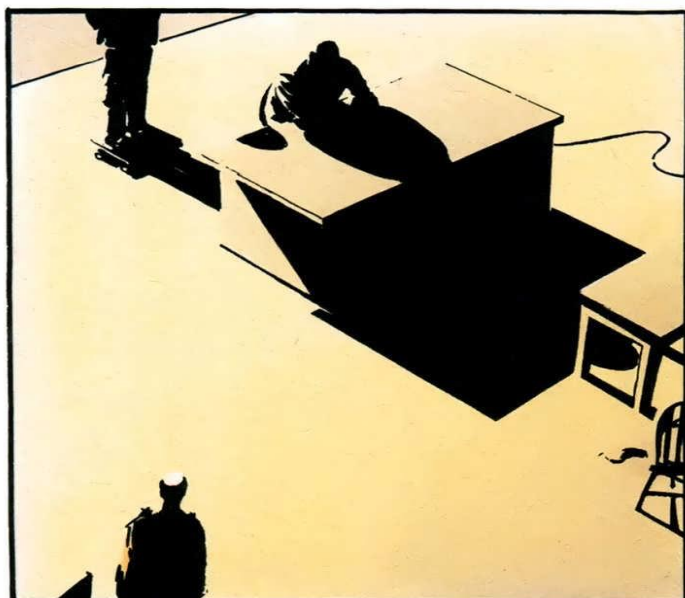
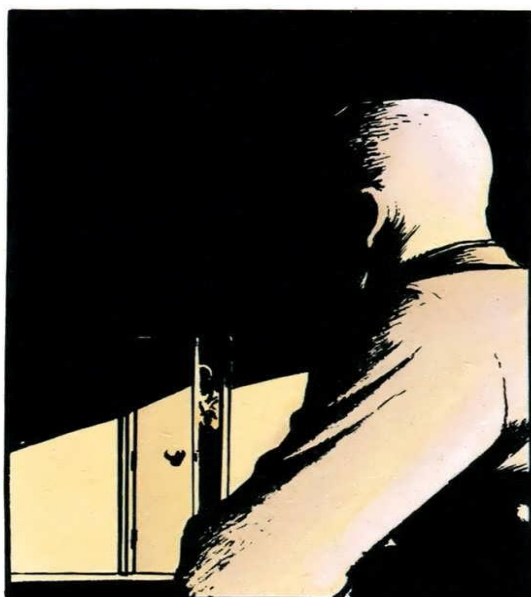
کاری از وبسایت افسانه‌ها

www.AFSANEHA.net









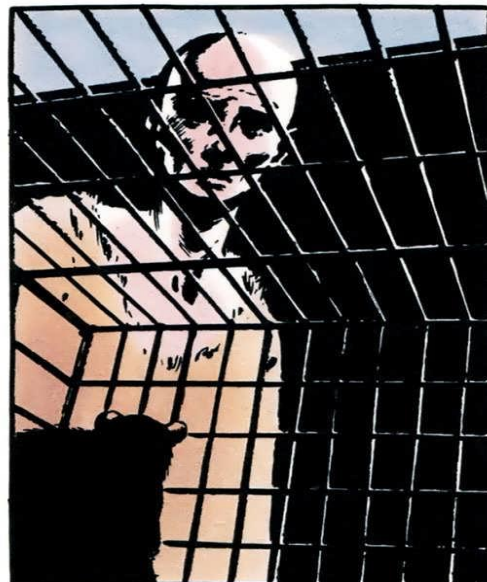
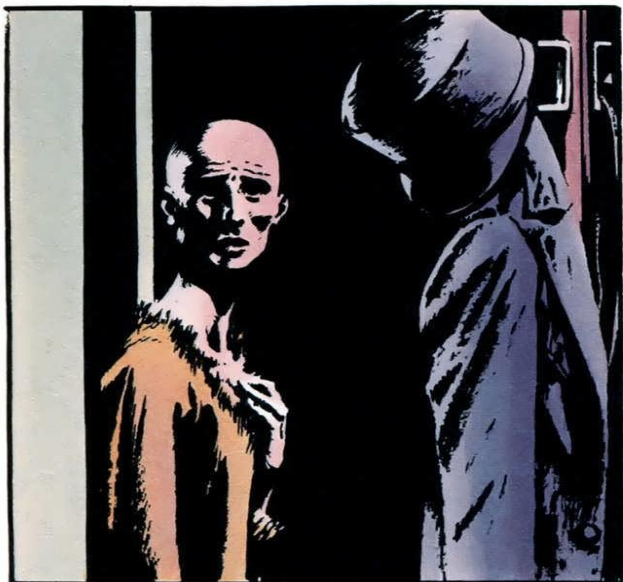


هر طور که
مایید.

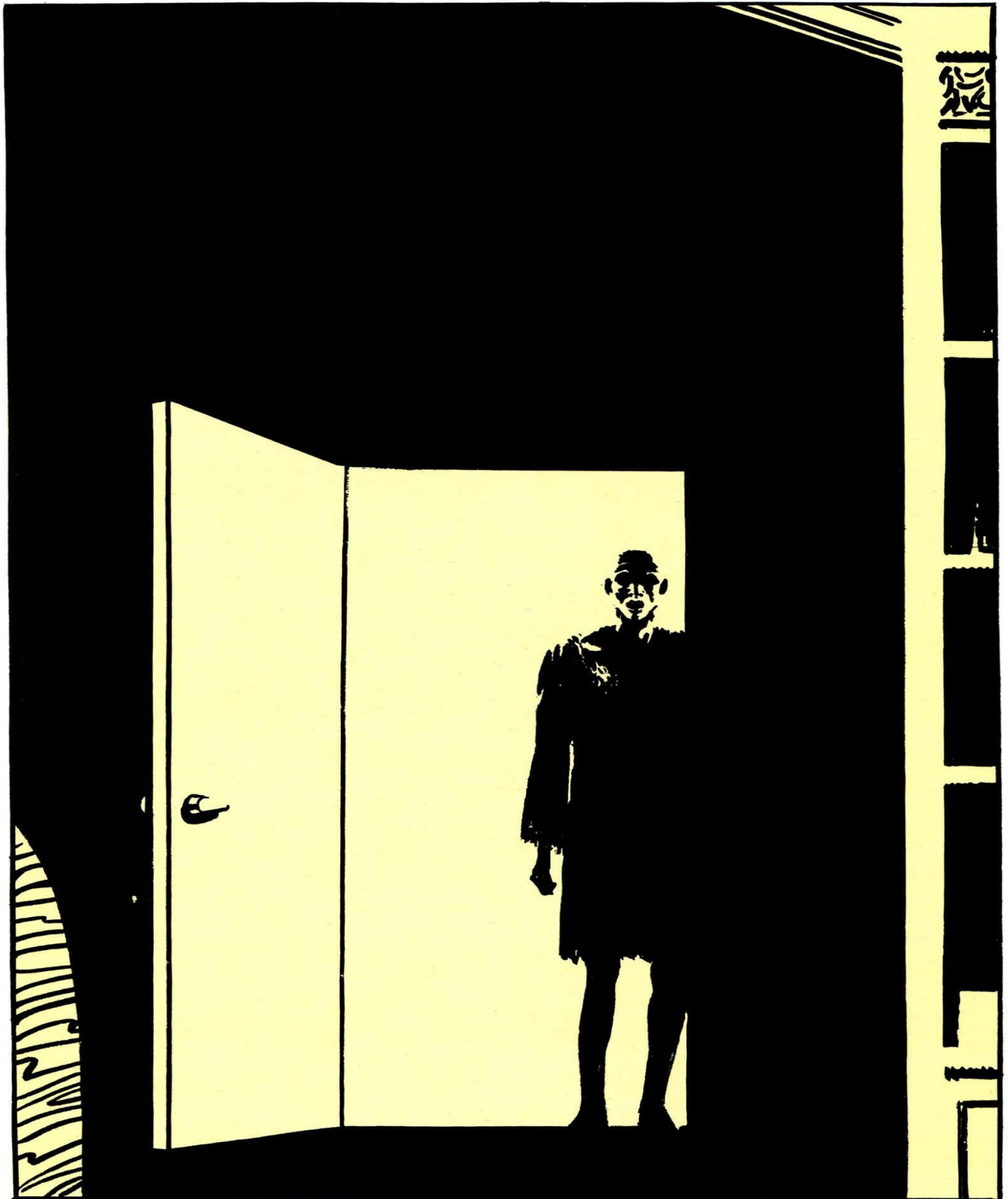
روسیت، خانم هموند
رو برگردونید به
سلولشون تا منتظر
بمونن؛ شما هم یک
یگان بشش نفره رو
آماده کنید.



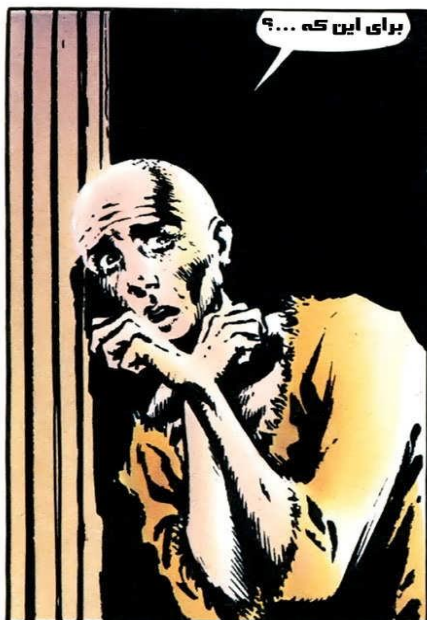
بعد برینشون پشت
انبار مواد شیمیایی و
بمشون شلیک کنید.

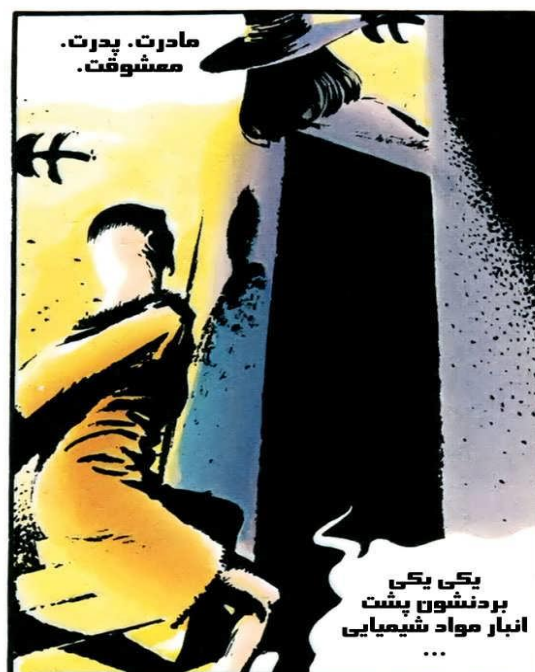
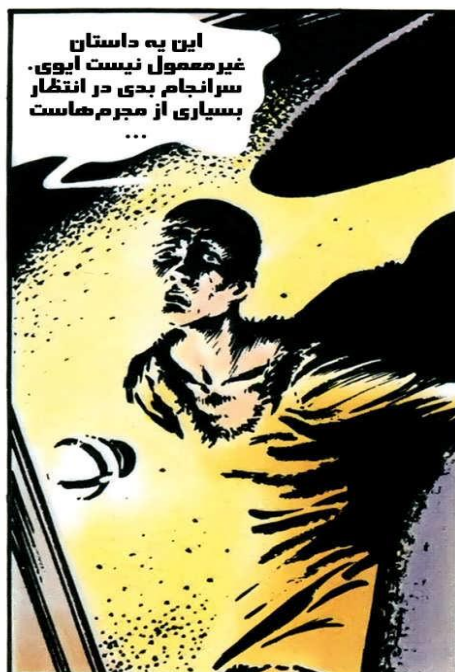
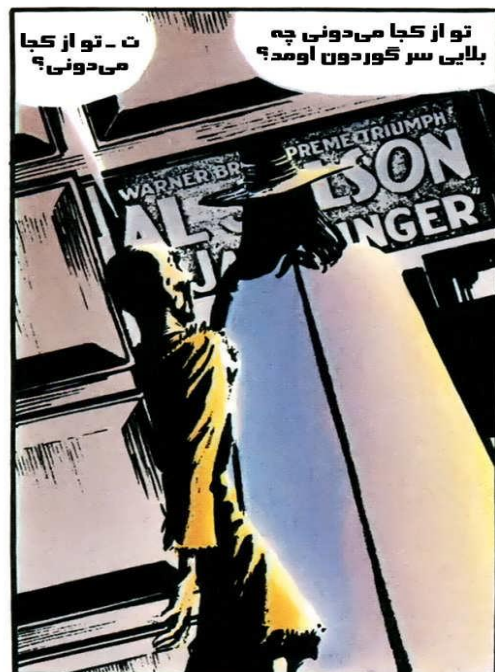




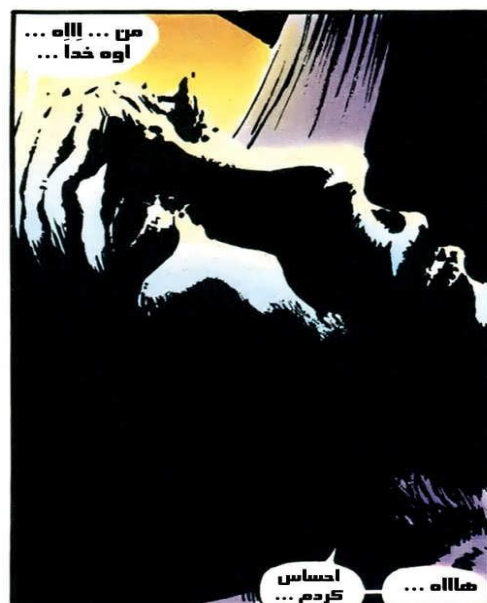




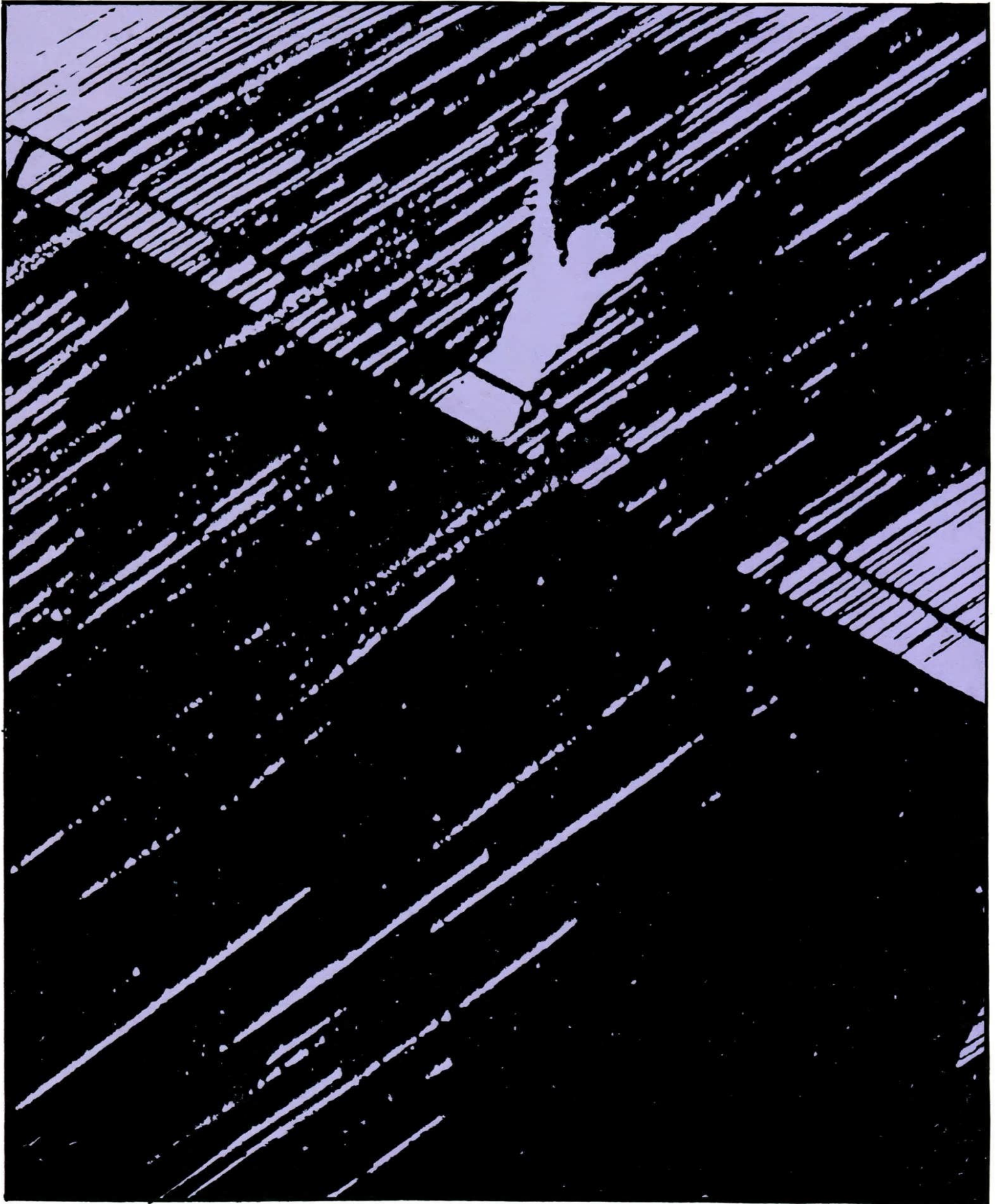


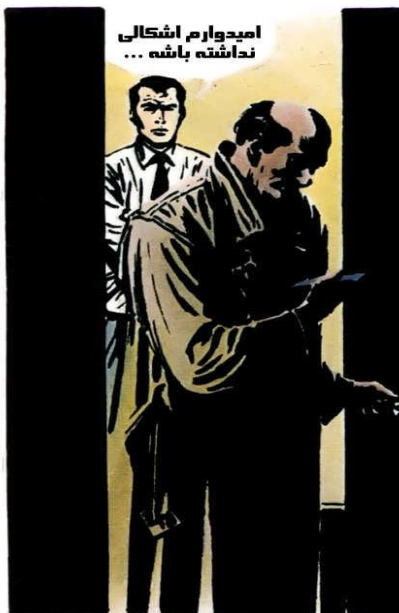








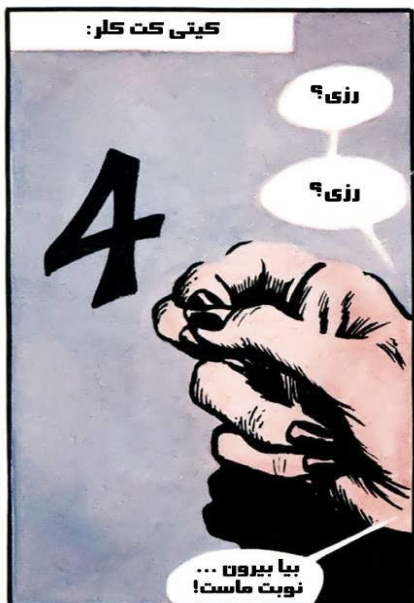


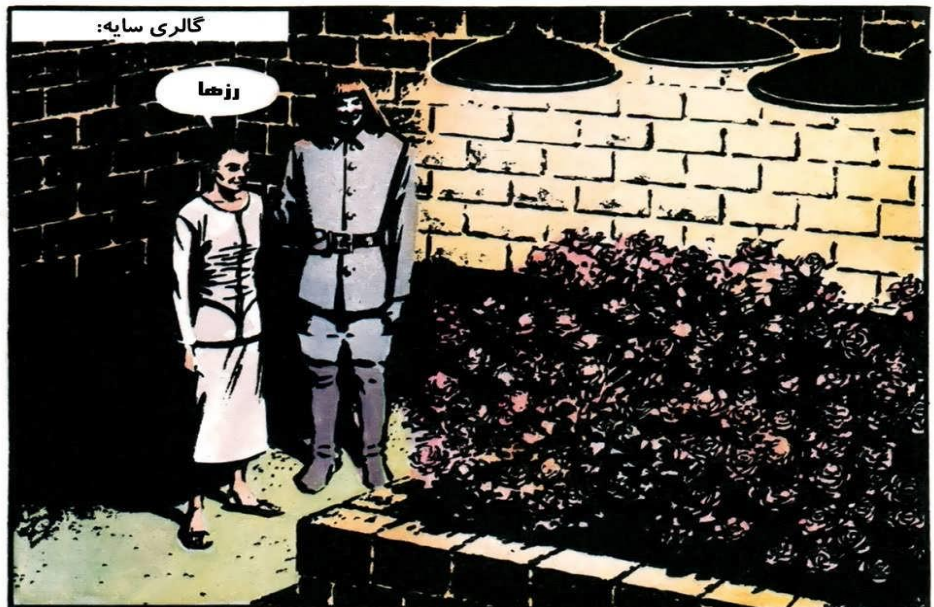


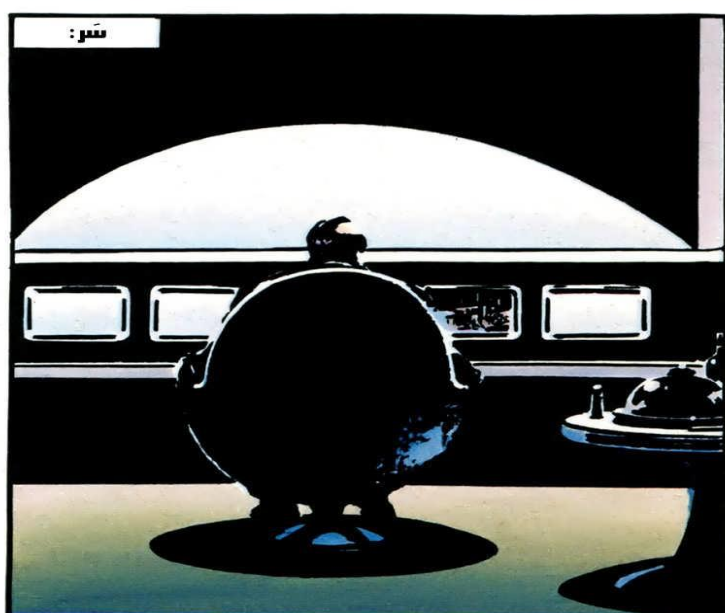
فصل چهاردهم

تصاویر















میان پردہ

بریتانیای سال 1998 است. آسیاب‌های
عدالت به آرامی در حال چرخیدن هستند و
بازده کمی دارند ...

رایان فقط به فرصت
دیگه داری. فقط به
فرصت دیگه داری تا
بهمون بگی راجع به این
پارو «وی» چی می‌دونی
...

... ضمناً دیگه
حوصله‌ی درِ
وری ندارم!

... به هر حال بیخود نیست که آن را
یک حکومت پلیسی صدا می‌کنند.

من چیزی نمی‌دونم. خواهش
می‌کنم ... من همه چی رو
بهتون گفتم. شما گوش
نمی‌دید ...

تو گوش کن رفیق. من
دیگه از گوش دادن خسته
شدم. اون بیرون به روانی
خرابکار داره آزاد واسه
خودش می‌چرخه ...

جنگ جهانی اول و دوم و سوم رو
هم به اندازه‌ی این پارو این کشورو
به در دسر ننداختن. اون مسلمان
نمی‌تونه دست تنها باشه، می‌تونه؟

احتمالاً به مؤسسه‌ای پیشتره.
منطق اینو می‌گه. حالا تو داری
می‌گی چیزی راجع به این قضیه
نمی‌دونی. من که می‌گم
مزخرفه.

خیلی خب رایان، ما به اندازه
ی کافی فرصت در اختیار
قرار دادیم. فکر کنم
وقتشه بری پیاده‌روی.

پنجره اونجاست. راه
بیفت.

پنجره؟ چه ربطی
داره به ...

اوه خدای من،
دارید شوخی
می‌کنید ...

من صدای خنده‌ی
کسیو نمی‌شنوم. تو
صدای خنده‌ی کسیو
می‌شنوی؟





عرض لبه چهل سانتی متر است. اگر روی زمین بود، اصلاً عین خیالت نبود. واقعاً فرقی وجود ندارد.



خب، شاید یک سری فرقی‌ها وجود داشته باشند ...

آن حس خارش ناچور که کف پایت را اذیت می‌کند. روی زمین این حس را پیدا نمی‌کنی.



یک زمزمه‌ی مهیب در ذهنت طنین‌انداز می‌شود: «وقتی بخورم زمین، چه اتفاقی می‌فته؟ بیخوش می‌شم یا نمی‌شم؟ درد داره یا نداره؟»



اینها چیزهایی هستند اگر روی زمین باشی، اتفاق نمی‌افتند.

... البته بادهای روزه‌کش از گوشه و کنار این اشکال هندسی مرتفع و بتنی می‌وزند.



اوه خدا، اوه
نه، اوه خدا
...

اینها چیزهایی هستند که هیچ‌وقت به ذهنتان خطور نمی‌کنند ...

... تا این که دیگر خیلی دیر شده باشد.



واااااایییییی



شب
دلپذیریه



او غش می‌کند. دست‌هایی سیاه او را نجات می‌دهند و او اصلاً از وقوع این اتفاق باخبر نمی‌شود.



تصور کنید شما یک انتخاب پیش رو داشتید:
انتخاب بین مرگ توسط دستانی سیاه و فرست
هرچند فرستی بسیار ناچیز، برای فرار کردن.
شما کدام یک را انتخاب می‌کردید؟



... بعد از چند لحظه، مردی که هیچ‌وقت لبخند از روی
لبانش مدو نمی‌شود، به آرامی پنجره را می‌بندد. او
تحمل جریان هوا را ندارد.



البته جریان هوای داخل
ساختمان ...

با جریان هوای بیرون از آن
قابل مقایسه نیست ...



او در تمارینش باید با چیزهایی بدتر از این
سر و کله می‌زد. چیزهایی به مراتب بدتر.
او می‌تواند. او می‌داند که می‌تواند.



به هر حال، چهل سانتی‌متر فضای زیادی
است. اگر روی زمین بود، اصلاً عین خیالش
نبود ...

او یک قدم برمی‌دارد. یک قدم دیگر
برمی‌دارد. دوباره. دوباره ...



مرد آنجاست. لبه آنجاست. وزوز غم‌افزای باد،
درخشش بی‌تفاوت ستاره‌های دور دست ...

فراتر از آن فقط
نمایش شوخی و
خنده است. او یک
قدم برمی‌دارد ...

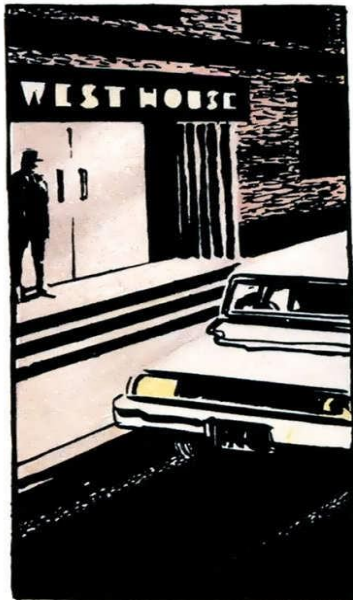
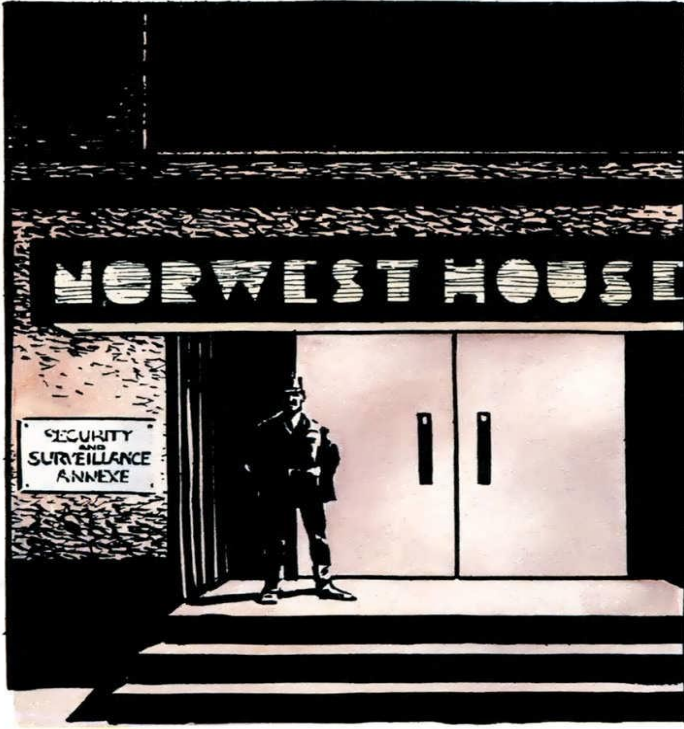


نمایش شوخی و خنده،
اینها چیزهایی هستند
که هیچ‌وقت به ذهنشان
خطور نمی‌کنند ...



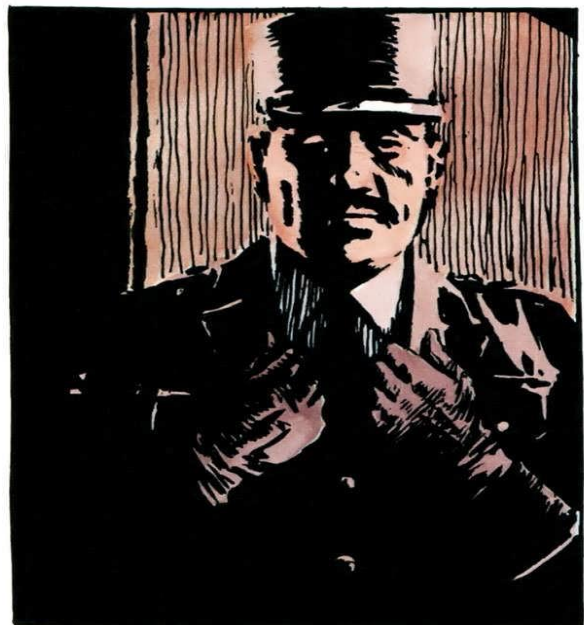
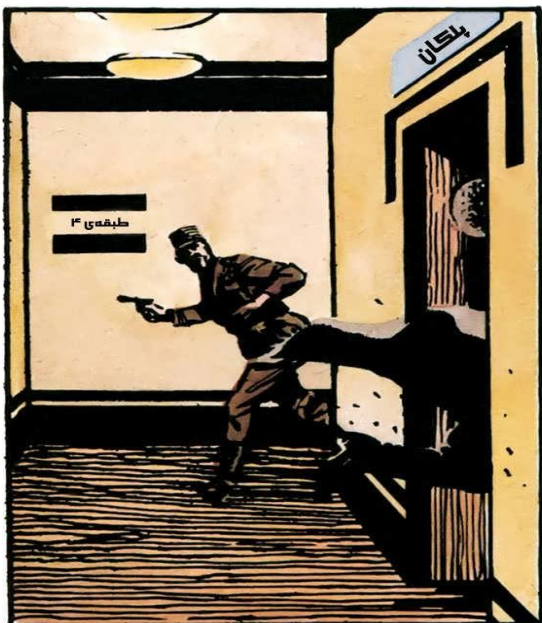
تا این‌که دیگر خیلی
دیر شده باشد ...

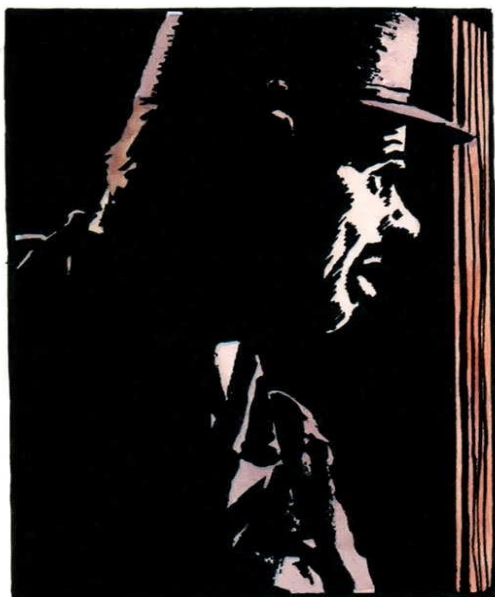




وینسنت









DC COMICS INC.

PRESIDENT
AND PUBLISHER
JENETTE KAHN

V.P.-EXECUTIVE EDITOR
DICK GIORDANO

EDITOR
KAREN BERGER

ASST. EDITOR
ART YOUNG

ART DIRECTOR
RICHARD BRUNING

MGR.-EDITORIAL ADMIN.
TERRI CUNNINGHAM

MGR.-TALENT
RELATIONS
PAT BASTIENNE

PRODUCTION DIRECTOR
BOB ROZAKIS

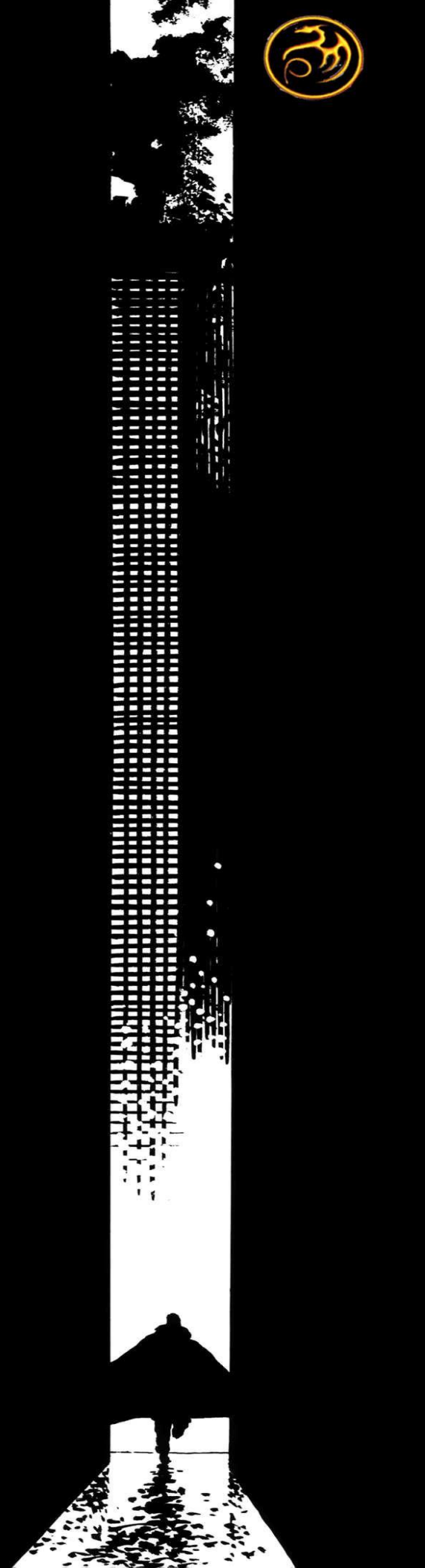
EXECUTIVE V.P.
PAUL LEVITZ

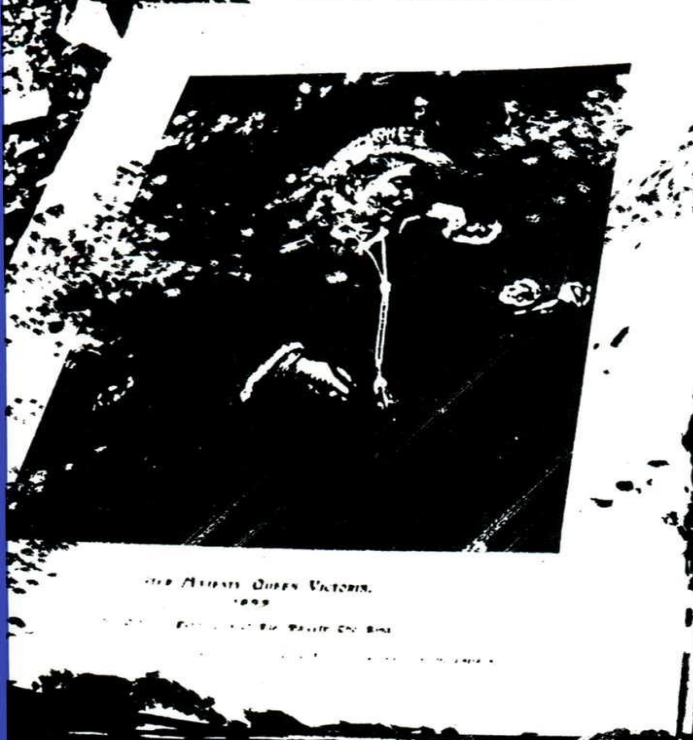
V.P.-CREATIVE DIRECTOR
JOE ORLANDO

V.P.-SALES
& MARKETING
BRUCE BRISTOW

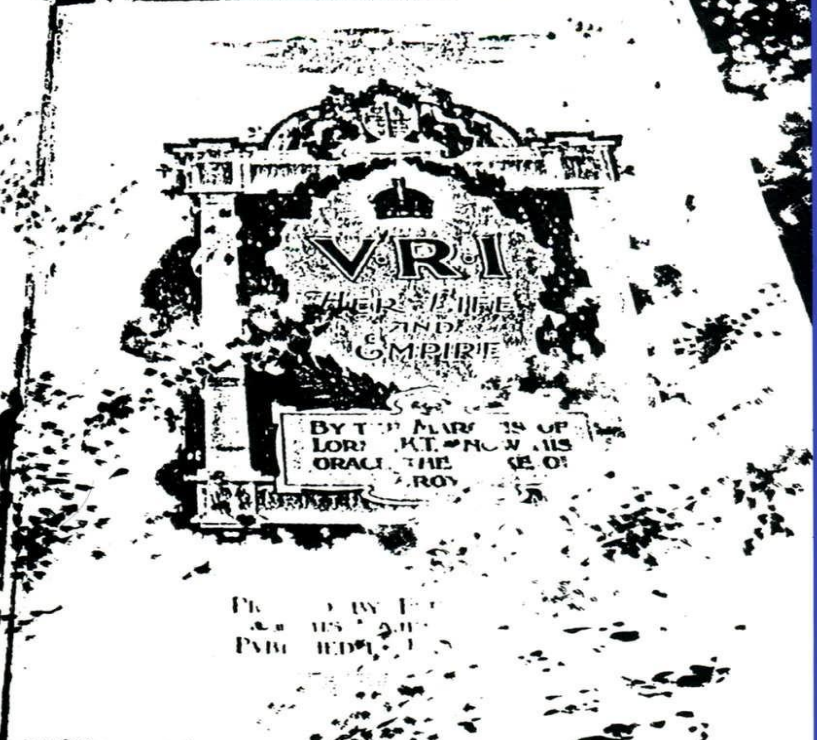
CIRCULATION
DIRECTOR
MATT RAGONE

CONTROLLER
PAT CALDON





HER MAJESTY QUEEN VICTORIA.
1899



PHOTOGRAPH BY THE
LORDS AND NOW HIS
ORACLE THE ROY

